



مقام صحابه و یاران پیامبر اسلام از دیدگاه قرآن و سنت

بخش اول

عبدالعزیز نعمانی

بعثت رسول گرامی اسلام صلی الله علیه وسلم در جریان تکامل دعوت پیامبران الهی و سلسله ختم نبوت به وقوع پیوست. خداوند با بعثت آن حضرت صلی الله علیه وسلم بر بندگانش اتمام حجت نمود تا با پیروی از قرآن و سنت پیامبرش راه سعادت و هدایت را برگزینند و از بوالهوسی و شیطان پرستی و مادیگری، به خداپرستی و تقوا و پرهیزگاری روی آورند. آنچه در این میان مهم می نماید، آغاز دعوت پیامبر اسلام صلی الله علیه وسلم در شبه جزیره عربستان و جهان شمولی آن است. قطعاً این مسئله توأم با یکسری حکمتها و فلسفه هایی است که نمی توان آن را سطحی و اتفاقی تصور نمود.

اینکه مشیت الهی در امر بعثت پیامبر اسلام صلی الله علیه وسلم به نفع سرنوشت قوم عرب رقم خورد و سبب شد تا خورشید هدایت بخش نبی خاتم بر جهانیان از شبه جزیره عربستان طلوع نماید خالی از حکمت نیست [«فعل الحکیم لایخلو عن الحکمة»]. برخی این مسئله را ناشی از موقعیت خاص جغرافیایی جزیره العرب می دانند که این سرزمین با موقعیت استثنایی خود مناسب بود که مرکز دعوت جهانی قرار گیرد و ملت های جهان را مخاطب سازد؛ زیرا از یک طرف جزو قاره پهناور آسیاست و از طرفی در مجاورت قاره آفریقا و اروپا واقع شده است، که همه این مناطق مرکز تمدن ها، فرهنگها، ادیان بزرگ و حکومت های مقتدر بوده اند. گروهی نیز برخی شاخص های اخلاقی عرب را مهم شمرده اند و معتقدند با آنکه در میان عرب عهد جاهلیت، پستی ها و رذالت هایی وجود داشت و با چیزهایی درگیر بودند که عقل سلیم آنها را به رسمیت نمی شناسد، اما در عین حال، برخی مکارم اخلاقی و صفات پسندیده نیز در میان آنان حاکم بود که انسان را تحت تأثیر قرار داده و به شگفتی و امید داشت؛ از جمله در ارتباط با کرم و سخاوت مندی، همواره با یکدیگر در رقابت بودند و به آن افتخار می کردند و گاه از کرم و سخاوت مندی خویش سخن می گفتند و در اشعارشان یکدیگر را به کرم و سخامی ستودند. گرامیداشت عهد و پیمان نیز نزد قوم عرب یک آیین پذیرفته بود و سخت به آن پایبند بودند و در راه وفای به عهد حتی از جان عزیزان و ویران شدن خانه و کاشانه شان دریغ نمی کردند. علاوه بر این زندگی را با عزت نفس و امتناع از جفاکشی و ستم پذیری ترجیح می دادند.

عامل مهم دیگر، سادگی بیابان نشینی و پیراستگی از آلودگی های تمدن آن روز بود. قلب های قوم عرب کاملاً پاک و صاف بود و نوشته های دقیق و علمی ای بر آن حک نشده بود که زدودن آن مشکل باشد. در دلها و افکار آنان چیزی جز چند نقش ساده وجود نداشت که به دست جهل و بی سواد و زندگی بادیه نشینی رقم خورده بود، و پاک کردن و جایگزینی نقوش جدید در آن، کار ساده و آسانی بود. علاوه بر این، ظرفیت های علمی، فکری و موهبت های فطری شان دست نخورده باقی مانده بود و در پای فلسفه های تخیلی و مذاهب پیچیده کلامی اشباع نشده بود. اما برعکس آنان، اقوام متمدن آن زمان اعم از ایرانیان، رومی ها و هندوها به علوم پیشرفته و تمدن های پر زرق و برق و فلسفه های پیچیده شان مغرور و مفتخر بودند و در دام گره های روانی و فکری پیچیده ای گرفتار شده بودند که گشودن و زدودن آنها، کار بس مشکل و طاقت فرسای بود. از این رو آنان استعداد و ظرفیت آن را

خصوصاً پس از آنکه با اسلام پیوند خوردند و قرآن بر آنان نازل شد و پیامبر اسلام به پالایش اساسی روح و روانشان پرداخت.^(۴) از مجموع مباحث فوق چنین نتیجه می‌گیریم که بعثت پیامبر اسلام صلی الله علیه وسلم در میان قوم عرب امری تصادفی و اتفاقی نبوده، بلکه خداوند عزوجل بنابر حکمت، محمد صلی الله علیه وسلم و اصحابش را برگزید تا به عنوان مبلغان آخرین شریعت الهی با دعوت حکیمانه و جهاد پیگیر به نشر و اشاعه اسلام بپردازند و در این راستا از هیچ گونه فداکاری مالی و جانی دریغ نورزند و نهایتاً به عنوان الگو و اسوه مورد تأسی جهانیان قرار گیرند.

اهداف بعثت پیامبر

خداوند عزوجل درباره اهداف بعثت پیامبر اسلام صلی الله علیه وسلم می‌فرماید: «لقد من الله على المؤمنين اذ بعث فيهم رسولا من انفسهم يتلوا عليهم آياته ويزكيهم ويعلمهم الكتاب والحكمة وان كانوا من قبل لفي ضلال مبين» [آل عمران: ۱۶۴]؛ «به راستی که خداوند بر مؤمنان منت نهاد، آنگاه که در میان آنان از خودشان پیامبری برانگیخت که آیاتش را بر آنان می‌خواند و پاکشان می‌دارد و به آنان کتاب و حکمت می‌آموزاند و بی‌گمان پیش از آن در گمراهی ای آشکار بودند.» در این آیه، سخن از بزرگترین نعمت الهی، یعنی نعمت «بعثت پیامبر اسلام» و اهداف رسالت آن حضرت صلی الله علیه وسلم به میان آمده است.

خداوند در آیات فوق، تحقق اهداف بعثت پیامبر اسلام صلی الله علیه وسلم را از منت‌ها و نعمت‌های بزرگ خویش بر می‌شمارد که نتیجه آن رهایی قوم عرب از جهالت و گمراهی ای آشکار است.

اولین مخاطبان وحی بهترین افراد امت اسلامی

ضمایر به کار رفته در آیه مذکور مانند: فهم، انفسهم، علیهم، یزکیهم، یعلمهم، همه جمع و مراد از آنها اصحاب و یاران رسول الله صلی الله علیه وسلم هستند، که به عنوان اولین مخاطبان وحی، مستقیماً با رسول الله صلی الله علیه وسلم در ارتباط بودند و از تعلیم، تربیت و تزکیه ایشان فیض کامل بردند.

اگر اصحاب و یاران پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم این آموزش‌ها را فرا نگرفته و تزکیه نمی‌شدند، اهداف بعثت نبوی متحقق نشده و به سرانجام نمی‌رسید.

آنچه مسلم است، این است که رسول الله صلی الله علیه وسلم در تکمیل اهداف بعثت موفق عمل کرد و توانست صحابه و یارانش را به عنوان اولین مخاطبان رسالتش به بهترین نحو تربیت و تزکیه کند و همچنین رضایتش را از آنان به عنوان حلقه وصل بین خود و نسلهای بعدی امتش اعلام دارد. بنابراین بر ما لازم و واجب است که به مقتضای عشق و محبت به نبی کریم، سرور دو عالم، محمد مصطفی صلی الله علیه وسلم، به صحابه و یاران ایشان اعم از اهل بیت و تک تربیت یافتگان ایشان محبت بورزیم. زیرا همانگونه که پیروی از سنت پیامبر صلی الله علیه وسلم بر ما واجب است، اتباع و پیروی از سنت صحابه کرام رضی الله عنهم، خصوصاً خلفای راشدین، بر ما لازم است،

نداشتند تا تحت تأثیر یک اندیشه و دعوت نوین قرار گیرند، گذشته خود را فراموش کنند و بدون چون و چراه آن تن دهند.^(۵) بدون تردید مجموعه این اسباب و علل موجب گردید تا خداوند عزوجل قوم عرب را برای عهده‌دار شدن این رسالت جهانی و رهبری جامعه بشری و اصلاح آن برگزید: «والله أعلم حيث يجعل رسالته» [انعام: ۱۲۴]؛ «خداوند از همه بهتر می‌داند رسالت خویش را در کجا قرار دهد».

با این وصف، بعثت پیامبر مقتضی آن بود تا جانشینان و یاران آن حضرت صلی الله علیه وسلم آمادگی روحی، پاکی ضمیر، سجایای اصیل انسانی، اندیشه بلند، همت عالی و بالاخره تقوی و پرهیزگاری فوق العاده‌ای داشته باشند تا بعثت پیامبر موفق باشد و شریعت محمدی حفظ شود و قرآن بدون خطا و تحریف به نسلهای آینده منتقل گردد.

عبدالله بن عباس رضی الله عنهما در تشریح آیه «و سلام علی عباده الذین اصطفى» [نمل: ۵۹] می‌فرماید: «مصدق «بندگان برگزیده» اصحاب حضرت محمد صلی الله علیه وسلم هستند که خداوند آنان را برای حمایت پیامبر اسلام برگزید.^(۶)

و عبدالله بن مسعود رضی الله عنه درباره برگزیده شدن پیامبر اسلام صلی الله علیه وسلم و اصحابش می‌فرماید: «ان الله نظر فی قلوب العباد فوجد قلب محمد صلی الله علیه وسلم خیر قلوب العباد فاصطفاه لنفسه فابعثه برسالته، ثم نظر فی قلوب العباد بعد قلب محمد صلی الله علیه وسلم فوجد قلب أصحابه خیر قلوب العباد فجعلهم وزراء نبيه یقاتلون علی دینه»^(۷)؛ «به تحقیق خداوند به قلبهای بندگان نظر افکند و قلب محمد صلی الله علیه وسلم را برترین قلبهای بندگان یافت، چنانکه ایشان را برای امر رسالت برگزید؛ آنگاه به قلبهای سایر بندگان نظر افکند و قلبهای یاران آن حضرت را برترین و بهترین قلبها یافت، لذا آنان را کارگزاران پیامبرش قرار داد تا در دفاع از دین وی به مبارزه قیام کنند.»

علامه محمد عبدالعظیم زرقانی این مسئله را مهم ارزیابی می‌نماید و در این باره می‌گوید: «واقعیت آن است که عقل سلیم، به دور از هوی و تعصب، هرگز امکان پذیر نمی‌داند که خداوند بدون حکمت، افرادی را به عنوان حاملان آخرین رسالت و شریعت خویش برگزیند که امتی ناآشنا و بی‌موقعیت باشند؛ ذات الهی از چنین تصویری مبرا و منزّه است.»

به همین دلیل تأیید این گروه برگزیده، یعنی اصحاب پیامبر اسلام صلی الله علیه وسلم به نوعی دفاع از حقانیت کتاب الله (قرآن) و سنت رسول الله و اصول اساسی دین اسلام به حساب می‌آید، زیرا این افراد بنابر تقدیر و مشیت الهی برای این امر مهم و بزرگ برگزیده شدند، و توهین و سوءظن نسبت به آنان در واقع عیب جویی در انتخاب و گرامیداشت خداوند قلمداد می‌شود، علاوه بر این چنین تصویری موجب تزلزل اساس قرآن، سنت پیامبر و دین خواهد شد. پژوهشگر تاریخ ملت عرب و آگاه به اخلاق و طبیعتشان، به وضوح درمی‌یابد که اصالت قومی و پاکی جوهر و مناقب و ویژگیهای عالی عربها، موجب گردید تا آنان به عنوان برترین ملت مطرح شوند،

ندای اسلام ۱۱

حزب الله هم المفلحون» [مجادله: ۲۲]؛ «آنان کسانی هستند که خداوند ایمان را بر دل‌هایشان رقم زده و با نفخهٔ ربانی خود یاریشان داده است و آنان را به باغهای بهشتی داخل می‌گرداند که زیر (کاخها و درختان) آنها جویبارها روان است و جاودانه در آنجا می‌مانند، خداوند از آنان خشنود است و ایشان هم از خدا خشنوداند، آنان حزب الله‌اند، همانا حزب الله قطعاً پیروز و رستگار است».

۲- رهبری دل‌انگیز و انقلابی پیامبر اسلام

نبی اکرم صلی الله علیه وسلم که رهبر بزرگ امت اسلام، بلکه بزرگترین رهبر جهان بشریت بودند، از چنان اخلاق بلند و کمالات نفسانی و خصوصیات والا و سر و وضع آراسته‌ای برخوردار بودند که همهٔ دل‌ها به سوی آن حضرت جذب می‌شد و همهٔ جانها در آتش قربانی شدن در آستان آن حضرت صلی الله علیه وسلم می‌سوخت. یاران و همنشینان آن حضرت، ایشان را در حکم جان در تن و روح در کالبد می‌دانستند و چنان شیفتهٔ پیامبر بودند که آن حضرت را قلب و چشم خود تصور می‌کردند.

عروه بن مسعود ثقفی که در «صلح حدیبیه» به نمایندگی از اهل مکه در محضر رسول الله صلی الله علیه وسلم حاضر شده بود، وقتی به نزد اهل مکه بازگشت خطاب به آنان گفت: ای قوم! من به دربار پادشاهانی همچون قیصر، کسری و نجاشی رفته‌ام، اما قسم به خدا پادشاهی را ندیده‌ام که اطرافیان او را آن چنان که اصحاب محمد، محمد را تعظیم و تکریم می‌کنند، گرامی بدانند! ﴿۱﴾
بر اثر همین عشق و علاقهٔ شدید و خاطر خواهی اصحاب و یاران آن حضرت صلی الله علیه وسلم بود که هر یک از آنان حاضر بودند در آن تنش جدا شود اما به پای مبارک آن حضرت خاری نخلد.

۳- احساس مسؤلیت

صحابهٔ پیامبر گرامی اسلام، مسؤلیت مهم و سنگینی را که بر دوش بشریت نهاده شده است، به طور کامل احساس می‌کردند و یاور داشتند که به هیچ وجه نمی‌توانند از این مسؤلیت شانه خالی کنند؛ زیرا معتقد بودند که پیامدهای فرار از این مسؤلیت، بسیار وخیم‌تر از آن شکنجه و فشاری است که در راستای تحمل این بار مسؤلیت می‌بینند؛ و خساراتی که بر اثر فرار از این مسؤلیت، به آنان و متعاقباً به جهان بشریت خواهد رسید، به هیچ وجه با سختی‌هایی که در جهت تحمل این مسؤلیت با آن درگیرند، قابل مقایسه نیست.

حضرت ابوبکر صدیق رضی الله عنه، پس از وفات رسول الله صلی الله علیه وسلم، در زمان اعزام سپاه اسامه رضی الله عنه فرمودند: «و الذی نفس ابی بکر بیده لو ظننت أن السباع تخطفنی لأنفذت بعث أسامة كما أمر به رسول الله صلی الله علیه وسلم و لو لم یبق فی القرى غیری لأنفذته»؛ ﴿۲﴾ «قسم به خدایی که جان ابوبکر در دست اوست، اگر بیم آن بود که درندگان مرا طعمهٔ خود خواهند کرد باز هم سپاه اسامه را چنانکه رسول الله صلی الله علیه وسلم امر کرده بود [برای جهاد] اعزام می‌کردم. و اگر در این آبادی‌ها کسی جز من باقی

زیرا آنان حلقهٔ وصل بین ما و حضرت رسول اکرم صلی الله علیه وسلم هستند و آنچه از ایمان، دین و علوم نبوت به ما رسیده است ثمرهٔ اخلاص، مجاهدت و تلاشهای خستگی‌ناپذیر آنان برای پاسداری و ترویج قرآن و سنت در سراسر گیتی است و امت اسلامی تا قیام قیامت مرهون آنان بوده و خواهد بود.

عوامل تربیت و تکامل اصحاب پیامبر

رسول اکرم صلی الله علیه وسلم با روش حکیمانه و اسلوب تربیتی بی‌نظیر خویش که ساختار عقیده و ایمان را اساس کار خویش قرار داد، موفق به تربیت و ساختن نسلی بی‌نظیر و بی‌همتا شد؛ نسلی که منشأ بزرگترین و عمیق‌ترین تحول در دنیا گردید؛ نسلی که با الهام گرفتن از «لا اله الا الله» و تبلور ایمان و عقیدهٔ جازم، مصدر هر فضیلت و سبب نجات جهانیان از احساس پستی و زبونی شد؛ آنان پدیدآورندگان شگفتیها و عجایبی شدند که در طول تاریخ بی‌همتا می‌باشد.

با توجه به اینکه صحابهٔ پیامبر اسلام از نخستین مسلمانان صدر اسلام بودند به شدت مورد تعقیب، فشار و شکنجه و آزار مشرکان قرار گرفتند. اما آنان با آنهمه آزار و اذیتی که دیدند همچنان در این صحنه با شجاعت و رشادت تاپای جان ایستادند، تا آنجا که عده‌ای از آنان با وضعیتی اسفناک به شهادت رسیدند، و همگام با پیامبر اسلام صلی الله علیه وسلم در راستای دفاع از کیان اسلام و اعلاای کلمهٔ الله، مبارزه و فداکاری نمودند و فرازهای درخشانی از ایشان، خودگذشتگی، تقوی و پرهیزگاری و شهامت و شهادت را در تاریخ اسلام به ثبت رساندند.

براستی چه عواملی سبب شد تا صحابهٔ پیامبر اسلام به مقام والایی از ایمان و عمل نایل گردند و در مقابل آزارها و شکنجه‌های سنگین دشمنان اسلام از خود شکیبایی نشان دهند و در مقابل فشارهای سهمگین آنان تاب آورند؛ برخی از این عوامل را اینگونه می‌توان برشمرد:

۱- ایمان و یقین راستین به ذات الهی

صحابهٔ پیامبر اسلام صلی الله علیه وسلم با ایمان و اعتقاد به الوهیت و عظمت الله و اعتقاد به اینکه تنها قادر مطلق و توانای حقیقی آن ذات است و علم و قدرت، تدبیر و مشیت، ملک و جبروت، و رحمت و مغفرتش بر تمام اجزای هستی و ذرات جهان فراگیر است و آنان نیز بندگانی هستند که جان و روح و روان خویش را به او داده‌اند و هر لحظه طالب رضای الهی‌اند و از موجبات خشمش گریزانند، توانستند مرتفع‌ترین قله‌های اطاعت و بندگی و انقیاد و فرمانبرداری را فتح نمایند. آنان در حقیقت خواسته‌ها و آرزوهایشان را به فراموشی سپردند و خود را از انگیزه‌های نفسانی، شهوت پرستی و مادیگری رها کردند و جز رضای حق، چیز دیگری را هدف قرار ندادند، چنانکه خداوند در توصیفشان می‌فرماید: «أولئك كتب فی قلوبهم الايمان و أیدهم بروح منه و بدخلهم جنات تجری من تحتها الأنهار خالدین فیها رضی الله عنهم و رضوا عنه أولئك حزب الله ألا ان

نمی ماند باز هم این سپاه را روانه می ساختم.»

۴- ایمان به آخرت

ایمان به آخرت نیز احساس مسؤولیت یاران رسول اکرم صلی الله علیه وسلم را تقویت می کرد. آنان به اینکه روزی در پیشگاه خداوند عز و جل خواهند ایستاد و در قبال اعمال کوچک و بزرگشان حساب پس خواهند داد، و آنگاه یا به سوی بهشت و نعمت های جاویدان سوق داده خواهند شد و یا به سوی عذاب همیشگی و جهنم، یقین قطعی داشتند. این بود که همواره شب و روز زندگانی خود را در میان بیم و امید می گذراندند، امید به رحمت الهی و بیم از عذاب الهی. چنانکه قرآن در توصیفشان می فرماید: «وَالَّذِينَ يُؤْتُونَ مَا آتَوْا وَقُلُوبُهُمْ وَجَلَةٌ أَنَّهُمْ إِلَىٰ رَبِّهِمْ رَاجِعُونَ» [مؤمنون: ۶۰]؛ «و کسانی که هر چه از آنان خواسته شده است انجام می دهند، اما در عین حال دلپایشان ترسان و هراسان است از اینکه باید به خدای خویش بپیوندند.»

آنان به وضوح می دانستند که دنیا با همه سختیها و دشواریهایش در قیاس با آخرت به اندازه پشیزی نمی ارزد و این شناخت نیرومند، سختی ها و تلخیها و گرفتاریهای دنیا را برای آنان آسان می گردانید، به گونه ای که اصلاً به آن اهمیتی قایل نبودند.

۵- قرآن کریم

در اثنای این تنگناهای تاریک و هولناک و در کشاکش این بحران ها، سوره ها و آیات قرآن کریم نیز به اسلوب منحصر به فرد و دلپذیری، یکی پس از دیگری نازل می شدند و در جهت اثبات راستی و درستی اصول و مبانی اسلام که دعوت اسلام بر پایه آنها صورت می پذیرد، دلایل قوی و برهین محکمی اقامه می کردند و مسلمانان را به سوی اندیشه های بنیادینی که خداوند ترسیم فرموده بود، رهنمون می شدند، و احساسات و عواطف و انگیزه های درونی مسلمانان را به سوی صبر و شکیبایی سوق می دادند. همچنین آیات قرآنی در برابر ایرادها و شبهه های کافران و معاندان پاسخهای دندان شکن ارائه می کردند و راه را بر روی آنان می بستند، چنانکه گاه مخالفان دعوت اسلام را از پیامدهای هولناکی که در صورت اصرار و رزیدن بر لجاجت و ضلالت خویش دامنگیر آنان خواهد گردید، به وضوح بر حذر می داشتند و در این ارتباط به ایام الله و شواهد تاریخی دال بر اجرای سنت های الهی درباره دوستان و دشمنان خدا، استدلال و استناد می کردند و گاه از در ملاحظت و نرمش درمی آمدند و از راه های مختلف به ارشاد، تفهیم و توجیه مخالفان می پرداختند تا از آن ضلال مبین که در آن فرو رفته اند، رهایی یابند.

قرآن کریم مسلمانان را به عالم دیگری منتقل می گردانید و صحنه هایی از شکوه و جلال آفرینش و جمال ربوبیت و کمال الوهیت و آثار رحمت و رأفت خداوند و مظاهر خشنودی و رضایت حق تعالی را به آنان نشان می داد و آنان چنان آنان را شیفته و مشتاق آن عالم دیگر می گردانید که هیچ مانعی نمی توانست سر راه آنان پابر جاماند و سد راه آنان شود.

۶- مژده های پیروزی

مسلمانان صدر اسلام (صحابه گرامی پیامبر) از همان آغاز که در راه اسلام دچار تنگناها و فشارها و سختی ها شدند و حتی پیش از آن نیز به خوبی می دانستند که وارد شدن به اسلام لزوماً به معنای گرفتار شدن به قتل و غارت و ظلم و ستم نبوده و نیست، بلکه دعوت اسلام از نخستین روز، از میان بردن جاهلیت و قلع و قمع آثار و ساقط کردن نظام غیر انسانی آن راه هدف گرفته است، و از جمله دستاوردهای دنیوی آن گسترش نفوذ دین الهی در سراسر جهان، و در دست گرفتن سر رشته سیاست و هدایت در عالم بشریت به منظور رهبری امت انسانی و جامعه بشری در راستای خشنودی خداوند و منتقل گردانیدن همگان از پرستش و ستایش بتان و بندگان به پرستش و عبادت خداوند جهانیان است.

قرآن کریم گاه از این بشارت ها و مژده ها به صراحت سخن گفته است و گاه در قالب کنایه و اشاره. در آن روز گاران طاقت فرسا که عرصه بر مسلمانان شدیداً تنگ شده و خفقان جانکاهی بر زندگی آنان سایه افکنده بود، قرآن کریم با صراحت کامل پیروزی مسلمانان را بر جبهه های مخالف نوید می داد: «و لقد سبقنا کلمتنا لعبادنا المرسلین انهم لهم المنصورون و ان جندنا لهم الغالبون» [صافات: ۱۷۳-۱۷۱]؛ «فرمان ما از دیر باز درباره بندگان و فرستادگان ما صادر شده است؛ آنان قطعاً پیروز خواهند شد، و همانا لشکریان ما چیره خواهند گردید.»

«الآن أولیاء الله لا خوف علیهم و لا هم یحزنون الذین آمنوا و کانوا یتقون لهم البشری فی الحیاة الدنیا و فی الآخرة لا تبدل لکلمات الله ذالک هو الفوز العظیم» [یونس: ۶۴-۶۲]؛ «همانا دوستان خداوند ترسی بر آنان نیست و غمگین نمی گردند. آن کسانی که ایمان آورده اند و تقوایشه کرده اند، برای آنان در دنیا و آخرت بشارت است. سخنان خدا تخلف ناپذیر است، این است آن رستگاری بزرگ.»

در پرتو این بشارت ها و مژده های کارساز، در ارتباط با آینده ای درخشان و باشکوه در همین زندگانی دنیا و در کنار آن، امیدواری راستین و عمیق نسبت به پایان خوش زندگی در این جهان و رسیدن به سعادت ابدی و کامرانی در بهشت، صحابه رسول اکرم صلی الله علیه وسلم برآستی و روشنی می دیدند و در می یافتند که آن فشارها و شکنجه ها و آزارها که از هر سوی به آنان هجوم می آوردند، لکه ابری تابستانه بیش نیست که پس از دقایقی پاره پاره و پراکنده می گردد.

علاوه بر این حضرت رسول اکرم صلی الله علیه وسلم پیوسته روح و روان یاران خویش را با انفاس ایمانی تغذیه و با تعلیم حکمت و قرآن تزکیه می نمودند و با دقت هر چه تمامتر به تربیت آنان می پرداختند و جانهای آنان را منزل به منزل در راستای اعتلای روح، پاکي قلب، رهایی از سیطره مادیات، مقاومت در برابر شهوات و پیوستگی به خدای آسمان و زمین پیش می بردند، و آتش عشق را در سینه آنان همواره شعله ور نگه داشته و آنان را به شکیبایی و صبر در برابر آزار و شکنجه مشرکان توصیه می کردند. نتیجه این تربیت ربانی این بود که یاران آن حضرت صلی الله علیه وسلم، در دین راسخ تر،

حضرت جابر رضی الله عنه می فرماید: تعداد اصحاب پیامبر صلی الله علیه وسلم در روز صلح حدیبیه به هزار و چهارصد نفر می رسید، در آن هنگام رسول اکرم صلی الله علیه وسلم خطاب به ما فرمود: «أنتم اليوم، خير اهل الارض»؛ «امروز شما برترین مردم اهل زمین هستید.»

صحابه مؤمنان راستین

خداوند عزوجل در توصیف ایمان و تقوای صحابه پیامبر می فرماید: «و لكن الله حبيب اليكم الايمان و زينه في قلوبكم و كره اليكم الكفر و الفسوق و العصيان أولئك هم الراشدون فضلاً من الله و نعمة و الله عليم حكيم» [حجرات: ۸-۷]؛ «خداوند ایمان را در نظر تان گرامی داشته است و آن را در دلهایتان آراسته است و کفر و نافرمانی و گناه را در نظر تان زشت و ناپسند جلوه داده است، فقط آنان (که دارای این صفات هستند، یعنی ایمان در نظرشان محبوب و مزین، و کفر و فسق و عصیان در نظرشان منفور و مطرود است) راهیابند و بس. این لطف و نعمتی از سوی خداست، و خداوند دارای آگاهی فراوان و فرزاندگی بی شمار است (می داند چه کسی شایسته هدایت، و بایسته مرحمت و نعمت است).»

«فان آمنوا بمثل ما أمتم به فقد اهدوا و ان تولوا فانما هم في شقاق فسيكفيهم الله و هو السميع العليم» [بقره: ۱۳۷]؛ «اگر آنان (مشركان، يهوديان و نصرانيان) ایمان بیاورند آن چنان که شما (اصحاب پیامبر) ایمان آورده اید و بدان چیزهایی که شما ایمان دارید، ایشان نیز ایمان داشته باشند، بی گمان (به راه درست خدایی) رهنمود گشته اند، و اگر پشت کنند پس راه اختلاف و دشمنی را در پیش گرفته اند، خداوند تو را بسنده خواهد بود و او ذاتی شنوا و دانا است.»

در آیه فوق به وضوح خداوند عزوجل ایمان اصحاب پیامبر را الگو و معیار برای ایمان پیروان سایر ادیان، اعم از یهودیان و مسیحیان قرار داده و از آنان به نام هدایت یافتگان راه حق یاد کرده است که برای سایرین به منزله مشعل فروزان صراط مستقیم اند.

صحابه مظهر ایثار و فداکاری

هجرت، جهاد، ایثار و فداکاری در راه دین از صفات بارز صحابه گرامی پیامبر اسلام صلی الله علیه وسلم است، چنانکه قرآن می فرماید: «والذين آمنوا و هاجروا و جاهدوا في سبيل الله و الذين آووا و نصروا أولئك هم المؤمنون حقاً لهم مغفرة و رزق كريم» [انفال: ۷۴]؛ «بی گمان کسانی که ایمان آورده اند و مهاجرت کرده اند و در راه خدا جهاد کرده اند و همچنین کسانی که (به مهاجرین) پناه داده اند و یاری کرده اند (آنان را، هر دو گروه) آنان حقیقتاً با ایمانند، برای آنان آمرزش (گناهان) و روزی شایسته (در بهشت جاویدان) است.» «الذين آمنوا و هاجروا و جاهدوا في سبيل الله بأموالهم و أنفسهم أعظم درجة عند الله و أولئك هم الفاترون. يبشروهم برهم برحمة منه و رضوان و جنات لهم فيها نعيم مقيم. خالدین فيها أبداً ان الله عنده أجر عظيم» [توبه: ۲۲-۲۰].

خداوند عزوجل در این آیات نیز مهاجرین و انصار را به رحمت

از شهنوا دورتر، در جهت کسب خشنودی خداوند فعال تر، در رسیدن به بهشت مشتاق تر، در تحصیل علم و دانش حریص تر، در امر دین فقیه تر، در سلوک عارف تر و وارسته تر، بر عواطف و انگیزه های درونی خویش چیره تر و غالب تر، بر احساسات و هیجانات درونی خویش مسلط تر و به شکیبایی و وقار مقیدتر گردیدند.^(۷)

چنانکه حضرت عبدالله بن مسعود رضی الله عنه در توصیفشان می فرماید: «أولئك أصحاب محمد صلی الله علیه وسلم، كانوا أفضل هذه الأمة، أبرها قلوباً و أعمقها علماً، و أقلها تكلفاً، اختارهم الله لصحبة نبيه و لاقامة دينه، فاعرفوا لهم فضلهم و اتبعوا لهم على آثارهم، و تمسكوا بما استطعتم من أخلاقهم و سيرهم، فانهم كانوا على الهدى المستقیم»؛ «اصحاب محمد صلی الله علیه وسلم برترین افراد این امت بودند؛ قلبهایشان پاکیزه تر، علمشان عمیق تر و تکلفشان اندک تر بود. خداوند آنان را برای مصاحبت پیامبر و اقامه دینش برگزید، از این رو مقام آنان را پاس بدارید و از روش آنان پیروی نمایید و در حد توان اخلاق و سیرتشان را الگوی خویش بسازید، چه آنان بر راه مستقیم هدایت قرار داشتند.»

مقام اصحاب در قرآن

آیات متعددی در قرآن کریم وجود دارند که بیانگر مقام والا و فضایل معنوی و اخلاقی اصحاب پیامبر اسلام صلی الله علیه وسلم هستند. در اکثر این آیات تصریح شده که اصحاب رسول اکرم صلی الله علیه وسلم به تکامل ایمان، تقوا و نهایت مجاهده و اخلاص نایل شدند و با پیکار با دشمنان دین و یاری پیامبر اسلام صلی الله علیه وسلم، موجبات رضایت و خشنودی و بخشش خداوند عزوجل را فراهم کردند و نهایتاً به سعادت و خوشبختی دنیا و آخرت رسیدند.

صحابه بهترین امت:

۱- «کنتم خير أمة أخرجت للناس تأمرون بالمعروف و تنهون عن المنکر و تؤمنون بالله» [آل عمران: ۱۱۰]؛ «شما بهترین امتی هستید که به سود انسانها (و برای خیرخواهی جامعه بشری) آفریده شدید، امر به معروف و نهی از منکر می نمایید و به خدا ایمان دارید.»

«و كذلك جعلناكم أمة وسطاً لتكونوا شهداء على الناس» [بقره: ۱۴۳]؛ «و بی گمان شما را امتی میانه رو کرده ایم تا گواهانی بر مردم باشید.» بدون تردید مخاطبان اولیه و مصداق حقیقی این دو آیه، صحابه گرامی رسول اکرم صلی الله علیه وسلم هستند، گرچه مفهوم این آیات سایر افراد است را نیز بر حسب صلاحیت و عملکردشان شامل می شود. «کنتم خير أمة» بدان جهت و ویژگی اصحاب پیامبر صلی الله علیه وسلم قرار گرفته که آنان به هدف عالی خلقت انسان که همانا شناخت و پرستش خدای عالمیان است، پی برده و از اندیشه های محدود و محیط های بسته قومی و نژادی بیرون آمده و حامل رسالتی جهانی شدند. آنان نخستین کسانی بودند که در پرتو ایمان و دعوت پیامبر اسلام صلی الله علیه وسلم به فریضه مهم امر به معروف و نهی از منکر پرداختند.

بی پایان خود و اینکه از آنان راضی و خشنود است و باغهای بهشتی که در انتظار آنان است، بشارت می دهد.

صحابه آمرزیدگان الهی

صحابه انسانهایی وارسته اما با خوی و خصلتهای بشری بودند و همانند انبیا و ملائکه معصوم نبودند. آنان از این فرموده پیامبر اسلام صلی الله علیه و سلم که «کل بنی آدم خطاء» استثنا نبودند و چه بسا برخی از آنان مرتکب لغزشات و گناهانی شدند و در مواردی نیز مورد عتاب و سرزنش خداوند نیز قرار گرفتند، اما با وجود این، به شهادت آیات قرآن کریم، مورد عفو و بخشش خداوند عزوجل قرار گرفتند: «محمد رسول الله و الذین معه أشداء علی الکفار رحماء بینهم تراهم رکعاً سجداً یبتغون فضلاً من الله و رضواناً سیماهم فی وجوههم من أثر السجود ذلک مثلهم فی التوراة و مثلهم فی الانجیل کزوع أخرج شطأه فآزره فاستغلظ فاستوی علی سوقه یعجب الزراع لیغیظ بهم الکفار و عد الله الذین آمنوا و عملوا الصالحات منهم مغفرة و أجرأ عظیماً» [فتح: ۲۹]؛ محمد فرستاده خدا است، و کسانی که با او هستند در برابر کافران تند و سرسخت، و نسبت به یکدیگر مهربان و دلسوزند. ایشان را در حال رکوع و سجود می بینی. آنان همواره فضل خدای را می جویند و رضای او را می طلبند. نشانه ایشان بر اثر سجده در پیشانیهایشان نمایان است. این، توصیف آنان در تورات است، و اما توصیف ایشان در انجیل چنین است که همانند کشتزاری هستند که جوانه های (خوشه های) خود را بیرون زده، و آنها را نیرو داده و سخت نموده و بر ساقه های خویش راست ایستاده باشد، بگونه ای که برزگران را به شگفت می آورد. (مؤمنان نیز همین گونه اند. آنی از حرکت باز نمی ایستند، و همواره جوانه می زنند، و جوانه ها پرورش می یابند و بارور می شوند، و باغبانان بشریت را بشگفت می آورند. این پیشرفت و قوت و قدرت را خدا نصیب مؤمنان می کند) تا کافران را به سبب آنان خشمگین کند. خداوند به کسانی از ایشان که ایمان بیاورند و کارهای شایسته بکنند آمرزش و پاداش بزرگی را وعده می دهد.

خلاصه آنکه آیات قرآن و احادیث نبوی بیانگر آن است که خطاها و لغزشهای اصحاب رسول اکرم صلی الله علیه و سلم مورد آمرزش قطعی خداوند عزوجل قرار گرفته است، به گونه ای که هیچ یک از آنان سزاوار عذاب الهی نمی گردند.

اظهار رضایت خداوند از صحابه

خداوند عزوجل در آیات متعددی از صحابه گرامی پیامبر اسلام صلی الله علیه و سلم اعلام رضایت و خشنودی کرده است. باید توجه داشت که رضایت از طرف ذاتی اظهار شده که آفریننده همه موجودات است و قبل از تولد هر انسان، بر تمام حرکات و اعمال و سیئات و حسنات او کاملاً آگاه است، لذا بشارتی را که خداوند درباره خشنودی کامل و بدون قید و شرط خویش از اصحاب گرامی پیامبر اسلام صلی الله علیه و سلم اعلام می نماید، با آگاهی کامل و با توجه به همه وقایعی بوده که در زمان حیات رسول اکرم صلی الله علیه و سلم و پس از آن اتفاق افتاده است؛ چنانکه شیخ الاسلام ابن تیمیه

می فرماید: «خداوند از بنده ای اظهار رضایت می نماید که به وضوح می داند آن بنده تا آخر عمرش در صدد فراهم آوردن موجبات رضایت خداوند است و کسی که خداوند از او راضی باشد، پاداشش بهشت برین است، و خداوند هرگز از او ناخشنود نخواهد شد.» (۱۰)

(الف): «و السابقون الأولون من المهاجرین و الانصار و الذین اتبعوهم باحسان رضی الله عنهم و رضوا عنه و أعد لهم جنات تجری تحتها الأنهار خالدین فیها أبداً ذلک الفوز العظیم» [توبه: ۱۰۰]؛ «پیشگامان نخستین مهاجرین و انصار و کسانی که به نیکی روش آنان را در پیش گرفته اند و راه ایشان را به خوبی پیمودند، خداوند از آنان خشنود است و ایشان هم از خداوند خشنوداند و خداوند برای آنان بهشت را آماده ساخته است که در زیر (درختان و کاخهای) آن رودخانه ها جاری است و جاودانه در آنجامی مانند. این است پیروزی بزرگ.»

(ب): «لقد رضی الله عن المؤمنین اذ یبايعونک تحت الشجرة فعلم ما فی قلوبهم فأنزل السکینه علیهم و أثنابهم فتحاً قریباً و مغنم کثیرة یأخذونها و کان الله عزیزاً حکیماً» [فتح: ۱۸-۱۹]؛ خداوند از مؤمنان راضی گردید همان دم که در زیر درخت با تو بیعت کردند. خدا می دانست آنچه را که در درون دلهایشان (از صداقت و ایمان و اخلاص و وفاداری به اسلام) نهفته بود، لذا اطمینان خاطری به دلهایشان داد، و فتح نزدیکی را (گذشته از نعمت سرمدی آخرت) پاداششان کرد. همراه با غنیمتهای بسیاری که آن را بدست خواهند آورد. خداوند چیره شکست ناپذیر و فرزانه ای است که کارهایش بر اساس حکمت است.

(ج): «أولئک کتب فی قلوبهم الايمان و أیدهم بروح منه و یدخلهم جنات تجری من تحتها الأنهار خالدین فیها رضی الله عنهم و رضوا عنه أولئک حزب الله ألا ان حزب الله هم المفلحون» [مجادله: ۲۲]؛ «آنان کسانی هستند که خدا ایمان را بر صفحه قلبهایشان نوشته و با نفخه ربانی خود یاریشان داده است، و آنان را در باغهایی از بهشت داخل می گرداند که جویبارها از زیر درختانش جاری است، جاودانه در آنجا می مانند. خدا از آنان خشنود، و ایشان هم از خدا خشنوداند، آنان حزب الله اند، قطعاً حزب الله پیروز است.»

در کنار مواهب مادی قیامت و جنات و قصور، بزرگترین پاداش روحانی ای که به این گروه از مؤمنان داده می شود، خشنودی خداوند از آنان است، این رضایت و خشنودی مولا و معبودشان که آنان را پذیرفته و در کنف حمایت خویش قرار داده، لذتبخش ترین احساسی است که به آنان دست می دهد و نتیجه اش خشنودی کامل آنان از خداوند است.

آری هیچ نعمتی به پایه این خشنودی دو جانبه نمی رسد، و این کلیدی است برای مواهب و نعمتهای دیگر، چرا که وقتی خدا از کسی خشنود باشد هر چه تقاضا کند به او می دهد، که او هم کریم است و هم قادر و توانا.

تعبیر «رضی الله عنهم و رضوا عنه» که تعبیر و کلام الهی است بسیار زیبا و بلند است؛ یعنی آنان چنان مقامشان بالا رفته است که نامشان در کنار نام خدا، و رضایتشان در کنار رضایت او قرار گرفته است. و در آخرین مرحله به صورت یک اعلام عمومی که حاکی از

آذانی فقد آذى الله فيوشك أن يأخذَه»؛ دربارهٔ اصحاب من از خدا بترسید! دربارهٔ اصحاب من از خدا بترسید! و آنان را بعد از (وفات) من، هدف (تهمت و ناسزا) قرار ندهید. هر کس آنان را دوست می‌دارد به خاطر محبت با من، آنان را دوست می‌دارد. و هر کس با آنان بغض بورزد با بغضی که از من (در سینه اش) دارد با آنان بغض می‌ورزد. هر کس آنان را بیازارد، او در حقیقت مرا آزرده، و کسی که مرا بیازارد، بی‌تردید خدا را آزرده و کسی که خدا را بیازارد، خداوند به زودی از او انتقام خواهد گرفت.

مجموعهٔ روایات فوق بر مقام والا و مناقب ویژهٔ اصحاب پیامبر اسلام صلی الله علیه وسلم دلالت دارند که آنان بر اثر مجاهده و فداکاری مستمر در راه اعتلای پرچم اسلام از مقربان و خاصان درگاه حق قرار گرفتند، تا آنجا که ناسزاگویی و بدبینی نسبت به آنان باعث ایدای روح گرامی رسول اکرم صلی الله علیه وسلم می‌شود و موجبات خشم و نارضایتی خداوند عز و جل را فراهم می‌سازد.



نعمت و موهبت دیگری است می‌فرماید: «آنان حزب الله اند، بدانید حزب الله پیروز است.»^(۱۱)

مناقب اصحاب در پرتو احادیث

روایات و احادیث متعددی از رسول اکرم صلی الله علیه وسلم دربارهٔ مناقب و ویژگیهای یارانش نقل شده است که مفهوم کلی آنها اظهار رضایت رسول اکرم صلی الله علیه وسلم از آنان است. در برخی روایات رسول اکرم صلی الله علیه وسلم به آنان بشارت بهشت داده و از تعرض نمودن و هدف قرار دادن آنان بر حذر داشته است:

۱- قال رسول الله صلی الله علیه وسلم: «خير الناس قرنی ثم الذین یلونهم، ثم الذین یلونهم، ثم یأتی قوم من بعد ذلك تسبق ایمانهم شهاداتهم أو شهاداتهم ایمانهم»^(۱۲) رسول خدا صلی الله علیه وسلم فرمودند: «بهترین مردم، کسانی هستند که در قرن من زندگی می‌کنند، سپس کسانی که بعد از آنان می‌آیند و سپس کسانی که بعد از آنان می‌آیند. پس از آنان افرادی خواهند آمد که قبل از گواهی دادن، قسم می‌خورند و یا قبل از قسم خوردن، گواهی می‌دهند.»

در این روایت به عدالت، درستکاری و صداقت اصحاب پیامبر صلی الله علیه وسلم اشاره شده است که طبع و خوی آنان از تزویر و فریبکاری پاکیزه است و به خدا و پیامبر و جهان آخرت ایمان کامل دارند و از این رو به خاطر منافع اندک دنیوی به ناحق گواهی نمی‌دهند و قسم نمی‌خورند.

۲- قال رسول الله صلی الله علیه وسلم: «ان بنی اسرائیل تفرقت علی ثنتین و سبعین ملة و تفرقت أمتی علی ثلاث و سبعین ملة، کلهم فی النار الا ملة واحدة. قالوا: من هی یا رسول الله؟ قال: ما أنا علیه و اصحابی»؛

رسول اکرم صلی الله علیه وسلم فرمودند: بنی اسرائیل به هفتاد و دو گروه تقسیم شدند و امت من به هفتاد و سه گروه تقسیم خواهد شد که همهٔ شان به آتش (جهنم) می‌روند، مگر یک گروه. پرسیدند آن گروه چه کسانی هستند ای رسول خدا؟ فرمودند: آنانی که روش من و یارانم را بر می‌گزینند.»

در حدیث صحیح دیگری، رسول اکرم صلی الله علیه وسلم وجود اصحاب خویش را سبب امنیت و هدایت امت اسلامی بیان فرموده است که لازمهٔ آن پیروی از اصحاب رضی الله عنهم است، زیرا آنان هدایت یافتگان و تربیت شدگان مکتب آن حضرت صلی الله علیه وسلم هستند.

۳- عن ابی سعید الخدری رضی الله عنه قال قال رسول الله صلی الله علیه وسلم: «لا تسبوا أصحابی، فوالذی نفسی بیده لو أن أحدکم أتفق مثل أحد ذهباً ما أدرك مد أحدهم و لا نصیفه»؛ اصحاب مرا دشنام ندهید، قسم به ذاتی که جانم در قبضهٔ اوست اگر فردی از میان شما (امت) همسنگ کوهی را پیدا کند به پاداش صدقه مد و یا نصف مد اصحاب من نمی‌رسد.

۴- قال رسول الله صلی الله علیه وسلم: «اللہ فی أصحابی، اللہ فی أصحابی، لا تتخذوهم غرضاً بعدی، فمن أحبهم فبحبی أحبهم و من أبغضهم فببغضی أبغضهم و من آذاهم فقد آذانی و من

پی نوشت:

- ۱- ندوی، ابوالحسن علی، السیرة النبویة، ص: ۴۲. دار ابن کثیر ۱۹۹۹م.
- ۲- بغوی، حسین بن مسعود، شرح السنة، ج ۷، ص: ۱۷. دار الکتب العلمیه ۱۴۱۲هـ.
- ۳- امام احمد، مستند الامام احمد بن حنبل، ج ۱، ص: ۶۲۶، شمارهٔ روایت (۲۵۸۹). دار احیاء التراث العربی ۱۴۱۴هـ/۱۹۹۳م.
- ۴- زرقانی، محمد عبدالعظیم، مناهل العرفان فی علوم القرآن ج ۱، ص: ۳۳. دار احیاء التراث العربی.
- ۵- مستند امام احمد بن حنبل، ج ۵، ص: ۴۳۰، شمارهٔ روایت (۱۸۴۴۹) دار احیاء التراث العربی ۱۴۱۴هـ.
- ۶- ابن کثیر، البدایه و النهایه، ج ۶، ص: ۳۰۸. دار الکتب العلمیه ۱۴۰۷هـ.
- ۷- ر. ک. خورشیدنیوت، (الرحیق المختوم) صص: ۲۶۵، ۲۵۰، تألیف، شیخ صفی الرحمن مبارکفوری ترجمه؛ دکتر محمد علی لسانی فشارکی. نشر احسان - چاپ اول ۱۳۸۱ش.
- ۸- خطیب تبریزی، مشکاة المصابیح، ج ۱، ص: ۱۰۱، شمارهٔ روایت (۱۹۳). دار الفکر ۱۴۱۲هـ حلیه ج ۳۰۵ - ۱.
- ۹- مسلم، الجامع الصحیح، ص: ۷۹۶، شمارهٔ روایت (۴۸۱۱) دار الکتب العربی ۱۴۲۵هـ.
- ۱۰- ابن تیمیه، احمد بن عبدالحلیم، الصارم المسلمون علی شاتم الرسول، ص: ۵۷۳. دار الکتب ۱۴۰۳هـ.
- ۱۱- ر. ک. تفسیر نمونه، ج ۲۳، ص: ۴۷۱. انتشارات - دار الکتب الاسلامیه ۱۳۶۸ش.
- ۱۲- بخاری، الجامع الصحیح، ج ۳، ص: ۲۰۹، شمارهٔ روایت (۲۶۵۲). دار الکتب العلمیه ۱۴۱۲هـ.